

## کارآفرینی و ثروت

هر انسانی چه مرد و چه زن راجع به اهداف زندگیش فکر می‌کند و اگر هم آن‌ها را روی کاغذ نیاورد یا حتی برای دستیابی به آن هیچ اقدامی انجام ندهد، به هر حال به آن فکر می‌کند. البته این کار، "فکر کردن" نیست، بیشتر غرق شدن در آرزوهای دور و دراز است که تنها به شکل خیال و تصویری باقی‌مانده هرگز به عینیت در نمی‌آید. گروهی هم هستند که برای تحقق آرزوها و رویاهایشان فکر و برنامه‌ریزی می‌کنند و برای دستیابی به هدفشان سخت می‌کوشند.

مفهومی که می‌خواهیم راجع به آن صحبت کنیم، از مهمترین اهداف زندگی بیشتر افراد است. به دست آوردن پول، شغل مناسب و پردرآمد و کسب ثروت و دارایی، آن مفاهیمی هستند که به هم مرتبطند و ما قصد داریم به ثروت و دارایی بپردازیم. اکثر مردم با پشت هم شنیدن این لغات به یاد پول و سرمایه و املاک فراوان و اتومبیل‌های گران قیمت می‌افتند ولی "دارایی" می‌تواند به کثرت و فراوانی هر سرمایه‌ای نزد شخص اطلاق گردد.

به احتمال زیاد شما هم برای امسال اهدافی را تعیین کرده‌اید که ممکن است بعضی را روی کاغذ آورده باشید و به شکلی رسمی تدوین نموده تعدادی را هم فقط در ذهنتان نگه داشته باشید. دقت کنید که آن بخش‌های مربوط به دارایی شما، مهمترین قسمت‌های برنامه‌ریزیتان هستند. معمولاً روند مرسوم می‌کند که تعداد زیادی از مردم آن را برمی‌گزینند، تنظیم اهداف هر سالشان به چهار قسمت است که هر کدام در راستای هدف نهایی شکل گرفته‌اند. ولی مراقب باشید که به جرگه خیالبافانی که مدام هدف و آرزوهای متعدد را در نظر می‌آورند و همواره ساکن هستند، ملحق نشوید. برنامه‌ریزی یک بخش از جریان موفقیت است که بدون عمل، جز یک سری کاغذ باطله چیزی نیست و عمل بدون فکر و محاسبه نیز جز آشفتگی و شکست و مرارت چیزی در پی نخواهد داشت.

درباره رسیدن به دارایی و ثروت دلخواه باید گفت که نخستین گام، تفکر مانند یک انسان دارا و موفق است. اگر ذهن شما همچنان به پیروزی و دارایی باور نداشته باشد، هر قدر هم که تقلا کنید، به نتیجه دلخواهتان نمی‌رسید. ذهن فرمانده اعمال است و بدون یک راهبر و فرمانده معتمد به نفس و معتقد به پیروزی، موفقیت غیرممکن است.

به عبارت ساده‌تر، طرز تفکر، بینش و زاویه نگاه هر کس به اطرافش است که غم و شادی و اندوه و نشاط او را رقم می‌زند. پول داشتن یا به مقدار دلخواه نداشتن آن قدر دردناک و ناراحت‌کننده نیست که دیدگاه شخصی هر فرد نسبت به این مقوله‌ها احتیاجی به توضیح نیست که کسی در اینچنین شرایطی بیش از همه آسیب می‌بیند،

که یک زاویه نگاه نادرست و تصویری منفی راجع به دارایی و ثروت و نداشتن آن دارد. مشخص کردن دقیق خواسته‌ها و نوع و میزان دارایی دلخواه، به وضوح و روشنی مسیر راه کمک می‌کند ولی این اقدام به تنهایی کارساز نیست.

وقتی که ما کاری را به پایان می‌رسانیم و می‌بینیم که آنقدر که پیش‌بینی کرده بودیم و می‌خواستیم، پول درنیآورده ایم عصبی و خشمگین شده یا حتی ممکن است داد و فریاد هم راه بیندازیم. وقتی من درمی‌یابم که باید بیش از این درآمد می‌داشتم، واکنش شدیدی به پول نشان می‌دهم نه راجع به پول. درست مثل زمانی که پیش پزشک می‌رویم و او می‌خواهد واکنش عصب زانویمان را امتحان کند. با چکش پزشکی به زانویمان ضربه می‌زند و زانو بی‌اختیار ما به بالا می‌پرد. چکش بیدارکننده واکنش روانی ما، پولی است که انتظارش را داشتیم و حالا به دست نیآورده ایم.

به دست آوردن پول و درآمد می‌تواند سخت یا آسان باشد و این دو حالت هم باز به دیدگاهمان نسبت به پول و سرمایه و شرایط موجود بستگی دارد. اگر شما خود را ثروتمند بدانید و مانند اشخاص دارا رفتار کنید، می‌توانید از تمامی منابع مالی و روحی و انسانی خودتان و اطرافتان به غایت استفاده کنید. منظور من از دارایی فقط پول و سرمایه نقدی نیست. کتاب‌ها، کامپیوتر شخصی، دوستان خوب و دانا، خانواده همراه، سلامت جسم و روان، محیط کاری رضایتبخش و بسیاری از عناصر دیگر در زندگی، همه دارایی‌های ما را تشکیل می‌دهند که می‌توانند خیلی اوقات کمبود منابع مالی را جبران کنند و شما را در رسیدن به ثروت مالی و پولی هم کمک و یاری نمایند.

وقتی "رفتار مانند اشخاص دارا" را ذکر می‌کنم، مقصودم انجام معاملات کلان و خریدهای بزرگ و پول خرج کردن‌های هنگفت نیست. زمانی که شخصی به منابع مالی دلخواهش دسترسی ندارد، با توجه و استفاده از همان دارایی‌های ارزشمندش و تفکری مثبت می‌تواند مانند ثروتمندی رفتار کند که ثروتی عظیم دارد. پس از مدتی او به موفقیت پولی دلخواهش هم خواهد رسید.

مسئله کلیدی دیگر ارزیابی مسیری است که برای ثروتمند شدن در پیش گرفته‌اید و تعیین درستی و نادرستی آنست. به طور مثال شما می‌خواهید در پایان سال میزان درآمدتان ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده باشد، آپارتمان بزرگتری و در منطقه بهتری از شهر بخرید و یک هفته را نیز با یک تور جهانگردی به تعطیلاتی در خارج از کشور بروید. نوشتن این اهداف به تنهایی کافی نیست و حتی برنامه‌ریزی بدون بررسی و ارزیابی دقیق هم بی‌فایده خواهد بود.

پاسخ دادن به سوالات زیر حیاتیست :

۱- آیا روندی که در حال حاضر طی می‌کنم می‌تواند درآمدم را ۵۰ درصد افزایش دهد؟

۲- احساسم راجع به این اهداف چگونه است؟ مضطرب و نگرانم یا این که از وجود منابع کافی برای نیل به اهداف مطمئن هستم؟

۳- آیا هرچه در دست دارم و همگی منابعم را برای طی کردن این مسیر به کار گرفته‌ام؟

۴- چه کسی در این خصوص بیش از من تجربه دارد؟ آیا می‌توانم از او کمک بگیرم؟

۵- آیا همه نکات و جوانب را در نظر گرفته‌ام؟ چه نکاتی هستند که به آن‌ها توجه نکرده‌ام و ممکن است در آینده روی دهند؟ در همین برنامه کنونی هم ظرایفی را در نظر گرفته‌ام ولی ممکن است نکات ریزتری هم باشند؟

۶- من چقدر به اهداف هر هفته توجه کرده‌ام؟

۷- وضع نظام و سیستم فروش چگونه است؟ آیا می‌توانند برای افزایش پنجاه درصدی درآمد. به قدر کافی مفید و موثر باشند؟

۸- آیا برای رسیدن به تک تک اهداف برنامه‌ریزی جداگانه‌ای تنظیم کرده‌ام؟

۹- چه الگوها و استراتژیهای فکری هستند که نمی‌توانند در این برنامه پاسخگو باشند و هنوز حذفشان نکرده‌ام؟

۱۰- آیا این برنامه در جهت تحقق اهدافم پیش خواهد رفت و آیا با این رویه می‌توانم تعادل بین کار و زندگی خانواده‌ام را حفظ کنم؟

۱۱- چه الگوها و محرک‌هایی در برنامه به ثبات قدم و پشتکار من در این راه کمک خواهند کرد؟

۱۲- چه چیزی را بیشتر مورد توجه قرار داده‌ام؟ هدف نهایی یا موانع احتمالی پیش رو؟

پاسخ صادقانه و کامل به این پرسش‌ها می‌تواند کمکتان کند. مراقب باشید که به خودتان دروغ نگویید. چون که دروغ گفتن به خود کاری بسیار ساده است. آنقدر آسان که درصد زیادی از این افراد خودشان هم نمی‌دانند که دارند دروغ می‌گویند. در این باره سخن از انکار یا تکذیب نقایص و عیوب یک کار نیست. حقیقت اینست که وقتی شخص خودش در جریان و میانه‌کاری باشد نمی‌تواند عیب‌ها و کاستی‌ها را پیدا کند و در این حالات وجود یک همکار و شریک و

معلم بسیار کمک‌کننده خواهد بود. آنچه در این میان مورد نیاز است نگاه سومیست که از بالا - مثل یک پرند - به موقعیت نگاه کرده همه جوانب را زیر نظر بگیرد. گاهی اوقات به چنین نگاهی دسترسی ندارید و به همین خاطر، خودتان هم باید یاد بگیرید که برنامه‌ها و اقدامات در حال اجرا و در دست اجرا را با زاویه دیدی غیر از آن جهت همیشگی بنگرید.

انعطاف‌پذیری و قابلیت پذیرش تغییرات و تطابق با شرایط جدید، از دیگر ویژگی‌های لازم و ضروری موفقیت در این راهست. کسب ثروت و افزایش دارایی با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه است و اگر نتوانید هر زمان که لازمست مسیر حرکت را عوض کنید، شکست خواهید خورد. ممکن است این اتفاق چند بار در سال روی دهد. به طور مثال اگر شما در حال رانندگی به سمت یک جشن باشید و ناگهان ببینید که راه را اشتباه رفته‌اید، چه کار می‌کنید؟ همان‌طور ادامه می‌دهید و از رفتن به جشن صرف‌نظر می‌کنید یا این که راهی دیگر که درست باشد را خواهید یافت؟ پاسخ این سوال کاملاً روشن است. شما به طور قطع مسیرتان را تغییر خواهید داد چرا که دوست دارید به این جشن باشکوه که شاید مدت‌ها انتظارش را کشیده‌اید، برسید!

گاهی اوقات ممکن است علاوه بر مسیر مجبور شوید هدف را هم تغییر دهید و این بحث کاملاً جداگانه است. ممکن است هنوز به یکی از اهداف و تهیه اسباب و لوازم آن مشغول شده باشید. به طور مثال خرید آپارتمان دخواه. شاید چند بار هم امتحان کرده‌اید ولی شرایط هر یک فراتر از توان مالی شما بوده است. این‌جا دو راه ساده در ابتدای کار به چشم می‌خورد. یکی این که فکر کنید و ببینید که آیا واقعاً به آپارتمانی اینچنین گران و مجلل در این نقطه شهر احتیاج دارید؟ اگر پاسخ منفی است، خواهید توانست با شرایطی ساده‌تر به این هدف برسید. راه دوم اینست که بارها و بارها تلاش کنید تا همان موردی دخواه را با کمک وام یا شراکت با دیگری خریداری کنید. گاهی اوقات هم اصلاً به سراغ خرید و عقد قرارداد نرفته‌اید چون فکر می‌کنید که پول این کار را ندارید ولی بسیار علاقه‌مندید که اینچنین آپارتمانی را مالک باشید. تا زمانی که در پی دستیابی به هدفی نباشید، نمی‌توانید بفهمید که اصلاً قابل دسترسی هست یا نه. شاید بتوانید و پول کافی داشته باشید و شاید هم این آپارتمان‌ها، آن مورد دخواهی که همیشه آرزو می‌کرده‌اید، نباشند.

مردمان دارا و ثروتمند همیشه باور دارند که راه‌حلی وجود دارد و اعتماد به نفس و اراده‌شان حکم می‌کند که می‌توانند این راه‌حل را - هر چند پنهان - بیابند. اگر می‌خواهید به مقدار ثروت و دارایی دخواهتان برسید، باید باور کنید که قادرید این راه‌حل‌ها و ترفندها را بیرون بکشید. اگر این‌طور نگاه کنید، به دنبال روش‌های خلاقانه و ابتکاری نخواهید آمد که گره از مشکلاتتان بکشایند و درآمد کافی و دخواهتان را خلق نمایند. زمانی که آپارتمان مورد نظرتان را خریدید و برای تکمیل پولتان وام گرفتید، انگیزه‌ای می‌یابید تا به روش‌های بدیع و نویی دست پیدا

کنید تا درآمدتان افزایش یافته هرچه زودتر قسطهای وام را بپردازید.

حالا مثالی از کارهای خدماتی را مطرح می‌کنم : کسی را در نظر بگیرید که مشاور و روانشناس خانواده است. او جزوه‌ها و کتابهای کوچک و راهنمای آموزش مهارت‌های زندگی فردی و خانوادگی هم نگاشته است. روابط بین پدر و مادر، رابطه هر یک با فرزندان، مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان، آموزش مهارت‌های کنترل خشم، استرس و هیجان و مطالب و موضوعات مرتبط دیگر با مقوله خانواده موضوعاتی است که این مشاور در زمینه آنها فعالیت دارد. در حال حاضر درآمد این شخص از طریق مشاوره‌های شخصی- تلفنی یا حضوری- تامین می‌شود و او از این روند و درآمد حاصل از آن راضی نیست. کار دشوار و فرسایشی بوده تعداد مراجعانی که می‌تواند ببیند و آنها را به نتیجه مطلوب برساند اندک است.

او تصمیم داشته که دو هفته را برای تعطیلات در خارج از کشور بگذراند ولی پس از مدتی فکر و ارزیابی اوضاع درمی‌یابد که این کار هیچ سودی ندارد.

در این دو هفته مراجعانش را ویزیت نخواهد کرد و حتی ممکن است آنها به مشاور دیگری مراجعه کنند. به علاوه هزینه این دو هفته اقامت در مواردی مفید به کارش خواهد آمد. مشاور آینده‌نگر و خلاق تصمیم می‌گیرد که جزوات و کتابهای آموزشی‌اش را به فروش برساند و فقط به مشاوره‌های فردی بسنده نکند. او سخنرانی‌ها و راهنمایی جمعی پدر و مادران را در برنامه کارش قرار داده صحبت برای فرزندان و نوجوانان خانواده‌ها را نیز آغاز می‌نماید. در کنار اینها مشاوره‌های فردی هم برقرار می‌ماند و تعداد مراجعان هم بیشتر می‌شود.

این مشاور دانا و تیزهوش، مسیر و روش کسب درآمد و دارایی خود را تغییر داد و یکی از اهداف کوتاه مدتش را نیز از برنامه‌اش کنار گذاشت. او به دوازده پرسشی که برشمردیم، با دقت و صادقانه پاسخ داد. انعطاف‌پذیری و توانایی پذیرش و اعمال تغییرات از ویژگیهای مثبت اوست. مشاور حاضر توانست با نگاهی تیزبین، چون یک عقاب جوانب و خصوصیات گوناگون کارش را ببیند و نقایص آن را پیدا کند. پاسخ‌های خلاقانه را جستجو کرد و با اعتماد به وجود خودش و با اطمینان از وجود جواب‌ها، آنها را به دست آورد. مجموع این شرایط، راه موفقیت و کسب دارایی را بر او هموارتر نمود.

شاید در اینجا شبهه‌ای پیش آید و این که خوانندگان، راه کسب ثروت و دارایی را جدا از زندگی شخصی و خانوادگی و سلامت روح و جسم تلقی کنند. ولی به هیچ وجه این‌طور نیست. افراد بسیار ثروتمند و پولداری هستند که میلیاردها دلار ثروت دارند ولی از مهمترین دارایی‌های هر انسانی بی‌بهره‌اند. سلامتی جسمی و روانی و آرامش خاطرشان را از دست داده‌اند و با فشارهای عصبی و خستگی‌های مزمن و بیماریهای گوناگون دست به گریبانند. به واقع آنها نتوانسته‌اند بین زندگی شخصی و خانوادگی خود تعادل برقرار

کنند. مشکل و اشتباهشان این بوده که "دارایی" و "ثروت" را معادل حساب‌های بانکی میلیاردری، مالکیت شرکت‌های سودآور و مصادیقی از این دست می‌دانند. اگر ببینید که در مسیر کسب ثروت و دارایی، اضطراب دارید و آرامش خاطرتان جایش را به پریشانی و آشفتگی ذهنی داده، دریابید که مسیر نادرستی را طی می‌کنید.

یکی از بزرگترین و عظیم‌ترین شاهراه‌های یافتن مسیر صحیح، اینست که راجع به آنچه ذکر کرده‌اید، افسوس نخورید و راجع به آنچه کرده‌اید پشیمان و شرمگین نباشید. گذشته را فراموش کنید و فقط درس‌ها و پندهای برآمده از اشتباهات و ناکامی‌ها را به ذهن بسپارید و هرگز موفقیت‌ها و پیشرفت‌های آن را از ذهن پاک نکنید. در یک کلام در گذشته زندگی کردن شما را از "اکنون" باز می‌دارد و سبب می‌شود که بازتاب آن افسوس و شرمندگی، خود را به شکل نگرانی‌ها و اضطراب راجع به آینده‌ای که هنوز روی نداده، نشان دهند. این رویه مخرب و فرسایشی است و هیچ سودی ندارد. این لحظه، این ساعت، این روز و این شب مهم‌ترین مجاری موفقیتند.

بسیاری اوقات، دلایل محکمی وجود دارند که با منطقی معتبر، به ما می‌گویند که چرا هنوز و پس از مدت‌ها نتوانسته‌ایم به اهداف از پیش تعیین شده‌مان برسیم. یکی از این دلایل، عکس حالتی است که تعریف کرده‌ایم. در آن حالت، شخص زندگی شخصی را به حاشیه می‌راند و سلامتی و آرامش خود را تحت‌الشعاع کار قرار می‌دهد. در این‌جا وضع برعکس است. با کار همانند یک تفریح و سرگرمی برخورد شده روابط خانوادگی و زندگی شخصی در صدر همه امور جای داده می‌شوند. این‌طور نیست که کارآفرین به کسب و کارش علاقه نداشته باشد و نخواهد به آن بپردازد ولی آن‌قدر در امور زندگی غرق شده که نمی‌تواند حتی خانواده‌اش را در وضعیتی به سامان و با ثبات جای دهد. اوضاع کسب و کار بحرانی است و شرایط خانوادگی هم رضایتبخش نیست که بخشی از این نارضایتی به کمبود بودجه خانواده هم بازمی‌گردد. این هم یک مسیر اشتباه دیگر که کارآفرین پوینده آن نتوانست بین زندگی و کارش تعادلی مناسب برقرار سازد. آن عدم آرامش خاطر و فشارهای عصبی خوردکننده در پس این مسیر اشتباه نیز وجود دارند.

"ولی باز هم راهی وجود دارد!" این جمله ایست که ذهن یک کارآفرین تیزهوش، معتمد به نفس، انعطاف‌پذیر و خلاق به زبان می‌آورد. او توانسته با دیدی کلی‌نگر و از زاویه باز شرایط حاضر را بررسی و ارزیابی کند و با دقت و موشکافی راه‌حل‌های پنهان را جستجو کرده بیابد.

این کارآفرین که قرار است پوینده راه جدیدی باشد، تغییرات لازم را اعمال می‌کند و اگر لازم ببیند اهدافش را نیز تغییر خواهد داد. او به واقع معنای دارایی را آهسته آهسته درک می‌کند و همه منابع و امکاناتی که در اختیار دارد را به کار می‌گیرد. طرز تفکر یک کارآفرین و یا هر شخص ثروتمند دارای دیگر، به او حکم می‌کند که هر آنچه مورد نیاز است را همیشه داری و خواهی داشت.

"خلاقیت و اعتماد به نفس آنها، دو ثروت ارزشمندند که امکانات، راه‌حل‌ها و منابع پنهان را در اختیارشان قرار خواهند داد.

طرز تفکر و احساسات ما به همان اندازه که می‌توانند سازنده و کمکه‌کننده باشند، قدرت تخریب و نابودگری شگفت‌آوری دارند. اگر نیروهای منفی غالب شوند، با ترفندهای قدرتمندی ذهن خلاق و توانای یک کارآفرین را هم می‌توانند زمین‌گیر کنند. مسیرهای نادرست کسب ثروت و دارایی، امکان رشد آن‌ها را بیشتر فراهم می‌کنند. مراقب باشید اگر به اشتباه چنین مسیرهایی را انتخاب کردید، در هر لحظه‌ای که به نادرستی آن پی بردید، راه و رسم جدیدی را خلق نمایید.

پول و ثروت تنها قسمتی از ثروت و دارایی هر شخص از جمله کارآفرینان را می‌سازند. اهداف زندگی شخصی (حفظ سلامتی جسم و روان، تفریح و انجام فعالیت‌هایی غیر از کار حرفه‌ای و . . .) و تداوم و تحکیم روابط خانوادگی (با مادر، پدر یا همسر و فرزندان) در راستای رشد و ارتقای ثروت پولی و دارایی‌های نقدی و غیرنقدی یک کارآفرین قرار می‌گیرند. اگر او مسیری صحیح را انتخاب کند می‌تواند بین این سه وزنه تعادل پایداری برقرار سازد تا وقتی که یکی از آنها تضعیف شد، دو قدرت دیگر آن را تحکیم کرده از سقوط نجات دهند.

شما هم دست به کار شوید و مسیر زندگی و ریزه‌کاریها و قسمت‌های مختلفش را موشکافی و بازبینی کنید. به استقبال تغییرات بروید. از دیگران هم کمک بخواهید و با هر کسی که بهتر می‌شناسید و به دانایی‌اش اطمینان دارید، مشورت کنید. نرسید. کارآفرینان شجاع چیزهای فوق‌العاده‌ای پیش رو دارند و . . . شما هم یکی از آنها باشید!

By : Jeanna Gabellini  
مترجم : آذین صحابی

**منبع: روزنامه تفاهم**